

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdulgolparian@yahoo.com

ایسکرا

۳۹۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت
www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۹ دی ۱۳۸۶، ۹ ژانویه ۲۰۰۸

سر دبیر: عبدال گلپریان
abdolgolparian@yahoo.com

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد "انتخابات" مجلس اسلامی: جمهوری اسلامی باید برود!

خواسته های خود و بازخواست سران و مقامات و کل رژیم اسلامی در میتینگ ها و تجمعاتی است که به این مناسبت برپا میشود.

این فراخوان با توجه به اوضاع و احوال سیاسی اکنون اهمیتی دوچندان می یابد. مشخصه اصلی اوضاع حاد شدن بحران جمهوری اسلامی در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن است. جدال بین آلترناتیوهای چپ و راست جامعه در قبال پاسخگویی به بحران جمهوری اسلامی بالا گرفته است. تا آنجا که به فضای اعتراضی جامعه برمیگردد آشکارا چپ و سوسیالیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی دست

نمایش "انتخابات" دوره هشتم مجلس اسلامی در پیش است. طبق معمول عده ای اوباش اسلامی و لیستی از "صلاحیت دار" ترین شیادان و مدافعین جمهوری اسلامی را اعلام میکنند که از بین آنها کسانی "انتخاب" شوند. این مضحکه با نازلترین معیارها نیز شایسته نام انتخابات نیست. حزب کمونیست کارگری همچنانکه بارها اعلام کرده است چنین نمایشی را حتی شایسته تحریم نمیداند. کل بساط انتخابات را باید بر سر رژیم خراب کرد. حکومت اسلامی مورد انزجار عمیق مردم است و باید برود. این حکم مردم است. حزب خواهان دخالت فعال مردم علیه مضحکه "انتخابات"، طرح مطالبات و

صفحه ۳



پیام محمود صالحی به مدافعان طبقه کارگر و مردم شریف ایران!

محمود صالحی

صفحه ۵

در رابطه با پیام اخیر همسر، محمود صالحی

صفحه ۵

نجیبه صالحزاده

تحولات خاور میانه و رقابتهای دو قطب تروریستی مصاحبه ایسکرا با محمد آسگران

سهم بزرگتر این جنبش و دولتها و احزاب و دستجات منبعث از آن ختم شود. این يك جدال واقعی بر سر منافع زمینى است. بخشی از بورژوازی منطقه منافع خودش را در همگامی با آمریکا میبیند و بخش دیگر با اسلام سیاسی.

صفحه ۲

متحد رو به سازش میرود. شما این تحولات را چگونه ارزیابی میکنید؟

محمد آسگران:

من قبلاً هم گفته ام و تاکید کرده ام، رقابت و کشمکش این دو قطب نهایتاً باید به کوتاه آمدن و یا شکست یکی از طرفین بیانجامد. تمام دعاوها و سازشها و مذاکرات و جنگ اینها قرار است از نظر منافع بورژوازی آمریکا به سرکردگی و قدرقدرتی آمریکا تمام شود و از نظر اسلام سیاسی به عنوان يك جنبش قرار است به سهم خواهی و شریک شدن در قدرت و بازبهای جهانی برای



محمد آسگران

ایسکرا:

گفته میشود سیر حوادث و رویدادهای سیاسی در منطقه و جهان بر محور رقابت دو قطب تروریسم اسلامی به رهبری جمهوری اسلامی ایران و تروریسم دولتی به سرکرده گی آمریکا و دول

اعتراض کارکنان پالایشگاه نفت آبادان به بی مسکنی کارکنان به مصوبه مجلس اسلامی معترضند

صفحه ۳

انتقال مجدد محمود صالحی به بیمارستان توحید

صفحه ۳

اعدام راحله: آپارتاید جنسی باز هم قربانی گرفت رژیم آپارتاید جنسی حاکم بر ایران باید در جهان محکوم و منزوی شود!

صفحه ۴

جمهوری اسلامی میلیونها تن از پناهندگان افغان را به زندان تهدید کرد

صفحه ۴

از میان نامه ها و سئوالات

صفحه ۵

کارگران نیشکر هفت تپه موفق به دریافت پاداش خود شدند

صفحه ۶

اخباری از زندان اوین فشار بر زندانیان سیاسی در اوین افزایش یافته است

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تحولات خاور میانه و ...

از صفحه ۱

اقتصادی قابل توجه آن، این جریانات با هر اختلافی که با هم داشته باشند میتوانند به حیات خود ادامه بدهند. به یک معنی بدون جمهوری اسلامی در شرایط فعلی بقیه جریانات محکوم به نابودی و یا حاشیه‌ای شدن هستند. بر خلاف تصور سنتی و منجمد شده، فلسطین با همه اهمیتی که دارد برای مطرح بودن جنبش اسلام سیاسی قابل مقایسه با جمهوری اسلامی نیست. اکنون کانونهای بحرانی شبیه فلسطین کم نیستند. اما قدرت و اتکا اسلامیست‌ها در جهان به جمهوری اسلامی است. به همین دلیل شاخ به شاخ شدن و یا معامله و مذاکره غرب با جمهوری اسلامی شاخص برخورد دولتهای غربی به کل این جنبش ارتجاعی است. جدال جمهوری اسلامی و آمریکا حول مسله هسته‌ای تنها گوشه‌ای و بهانه‌ای برای پیشبرد این رقابت عمومیتر و پایه‌ای تر دو قطب رقیب است.

مسله سازش و یا تشدید بحران در میان این دو قطب که آمریکا و جمهوری اسلامی به نمایندگی از آنها پیش میبرند تابع تحولات و موانع و قدرت این دو در پیشبرد رقابتهایشان است. اخیراً با شکست سیاستهای آمریکا در عراق و موانع متعددی که با آن گریبان گیر شده است فضایی فراهم شده است که آمریکا با هر سه "محور شرارت" یعنی ایران و سوریه و کره شمالی به مذاکره و راههای مصالحه فکر کند. اما نباید از این تحلیل پایه‌ای غافل بود که رقابت و جدال این دو قطب تروریست اسلام سیاسی و آمریکا و دول متحده نه با تهدیدهای جنگی تمام میشود و نه با مذاکره به پایان میرسد. این مولفه‌ها همگی میتوانند در دستور آنها قرار گیرند اما نقش هر تاکتیکی که در پیش میگیرند برای پیشبرد استراتژی عمومیتر و پایه‌ای‌تری میباشد که در بالا به آن اشاره کردیم.

اگر تا یک ماه قبل فضای تبلیغات جنگی در دستور این دو قطب قرار داشت اکنون پیدا کردن راههای مصالحه و مذاکره و معامله

فکر کنند. منافعشان اینرا میطلبد. تناسب قوای فعلی و موانع داخلی و بین المللی در مقابل این دو آنها را به این تاکتیک کشانده است. تا جایی که به تغییر روش آمریکا برمیگردد دلایل متعددی دارد که اهم آنها چنین است: شکست آمریکا در عراق، نارضایتی مردم آمریکا از تلفات سربازان و مخارج هنگفتی که این جنگ در عراق بر زندگی مردم تحمیل کرده است، نارضایتی بورژوازی آمریکا از سیاستهای اتخاذ شده و نرسیدن به اهدافی که برای پیروزی در نظر گرفته بود. بحرانی تر شدن خاور میانه و تعمیق و گسترش این بحران به دلیل اوضاعی که در خاورمیانه و به ویژه در پاکستان بوجود آمده است. تغییر تناسب قوا در افغانستان و دست بالا پیدا کردن دوباره طالبان و جریانات تروریست اسلامی در مقابل جریانات رقیب که متحد آمریکا و دول غرب هستند، چنانچه گفته میشود بیش از ۵۴ درصد خاک افغانستان هم اکنون تحت کنترل طالبان است. علاوه بر اینها رقابت اروپا و چین و روسیه با آمریکا و "قاطعیتهای" که روسیه اخیراً به دلیل بحرانهای ذکر شده توانسته است در مقابل آمریکا از خود نشان بدهد و... از جمله موانع آمریکا برای رسیدن به اهدافش بوده اند.

مشکلات جمهوری اسلامی و ارسال زیگنال برای مذاکره و معامله با آمریکا میبرود که این پازل را تکمیل کند. اهم مشکلات جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: منزوی شدن در سطح بین المللی و تلاش قدرتهای جهانی برای مهار کردن تروریسم اسلامی، چنانچه بیش از همیشه دنیا از خطر تروریسم اسلامی آگاه شده است و میخواهند زیاده رویهای آنرا مهار کنند، متحدین و همکاران جمهوری اسلامی در میان نفرت عمیق جهانی از تروریسم و اسلام سیاسی از یک طرف و فشار آمریکا از طرف دیگر باعث شده است که روابطشان را با جمهوری اسلامی مورد تجدید نظر قرار دهند. فشار بورژوازی جهانی برای مهار کردن جمهوری اسلامی و تلاش برای قیچی کردن پرو بال اسلام سیاسی مخالف غرب، بحران اقتصادی ایران را بیش از همیشه برجسته کرده است. این مشکلات

ایسکرا:

اجازه بدهید به کشمکش ایران و آمریکا بپردازیم رابطه آمریکا و ایران اکنون در چه شرایطی است و سیر این مسله را چگونه میبینید؟

محمد آسنگران:

آمریکا و ایران در شرایط کنونی هر دو به این قناعت رسیده اند که باید به مصالحه و معامله

بعلاوه بحرانهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مزمین و همیشگی جمهوری اسلامی فشار خرد کننده ای علیه رژیم حاکم را بالفعل کرده است. همه این مولفه‌ها در کنار وجود جنبشهای اعتراضی حق طلبانه مردم در مقابل رژیم حاکم بر ایران باعث شده است که خامنه‌ای هم بگوید: ما نگفته ایم برای همیشه روابطمان با آمریکا قطع باشد. اما همزمان جانب احتیاط را فراموش نمیکنند و بلافاصله اعلام میکنند که اکنون روابط با آمریکا به نفع نیست.

مذاکرات آمریکا و ایران در مورد مشکلات امنیتی عراق پیش در آمد شروع پروسه‌ای است که هر دو طرف خواهان آن هستند. مذاکره و معامله و سازش بر سر مسایل منطقه‌ای و مسایل مورد مشاجره آن اهدافی است که هر دو با همان اهداف قبلی اما با روشی دیگر به دنبال آن هستند. بنابراین هر دو طرف دارند در این جهت موانع و مشکلاتشان را بررسی میکنند و راههای وارد شدن به این مرحله را بررسی میکنند. اما موانعی که پیش پای جمهوری اسلامی برای وارد شدن به این میدان است پیچیده و بسیار حساس است.

ایسکرا:

موانع وارد شدن رژیم اسلامی به این عرصه کدامها هستند؟

محمد آسنگران:

مذاکره و رسیدن به توافق با آمریکا برای جمهوری اسلامی یک شمشیر دو لبه است. از یک طرف وارد شدن جمهوری اسلامی به این میدان حکم شلیک تیر خلاص به استراتژی اسلام سیاسی و جایگاه رژیم اسلامی در جنبش اسلام سیاسی است. اولین چیزی که رژیم اسلامی باید قربانی کند ادعاهای است که بیش از سه دهه رهبران و ایدئولوگهای این رژیم تکرار کرده اند. آنها آمریکا را همیشه به عنوان دشمن "جهان اسلام" معرفی کرده و خواهان محو اسرائیل بوده اند. اکنون اگر بخواهند وارد این میدان بشوند چاره‌ای ندارند بجز اینکه از همه این ادعاهای دست بردارند. چاره‌ای ندارند بجز اینکه دست از حمایت از حزب الله و حماس و دیگر جریانات اسلامی بردارند و... و چاره

ای ندارند بجز اینکه در نهایت دست و پای خود را جمع کنند و همپیمانی خود را با غرب ثابت کنند. اگر این اتفاق بیفتد آن وقت کل جنبش اسلامی بی پشتوانه میشود و سیر حاشیه‌ای شدن و کم تاثیر شدن آن آغاز میشود. اما از طرف دیگر امتیازات اقتصادی معینی بعلاوه برقرار کردن روابط دولتها با جمهوری اسلامی آغاز میشود. تهدیدهای رژیم چنچی به کنار گذاشته میشود و تلاش برای ادغام شدن بازار و سرمایه‌های ایران در بازار جهانی شروع میشود. این اهدافی است که رژیم اسلامی اساساً به دنبال آن است. اختلافات جناحهای جمهوری اسلامی هم اگر اکنون بر محور اقتصاد میچرخد در واقع اقتصاد اسم رمز روابط با آمریکا است. زیرا همه جناحها میدانند بدون عادی شدن رابطه جمهوری اسلامی با آمریکا هر تلاشی برای ادغام شدن ایران در بازار جهانی با موانعی جدی روبرو خواهد شد. و کشورهای غربی هم امکان سرمایه‌گذاری برایشان فراهم نمیشود.

اما اگر این اتفاقات آغاز شود همزمان و به موازات آن سرکوبها به شکل کلاسیک‌تری اجرا میشود و در عین حال فضای گسترش اعتراض و مبارزات مردم هم بیش از پیش فراهم میگردد. امکان تعرض مردم به رژیم و قوانین اسلامی خیلی سریع گسترش مییابد. زیرا اگر جمهوری اسلامی بخواهد اهدافش را با این سیاست و تاکتیک دنبال کند اسلامیت دولت و قوانین اسلامی دست و پاگیر باید به مرور کنار گذاشته شوند و این دگر دیسی عمیقی را به رژیم اسلامی تحمیل میکند. آغاز این دگر دیسی با آغاز تعرض مردم و زیرپا گذاشتن قوانین اسلامی همزمان خواهد شد. به این معنا جمهوری اسلامی در یک بن بست واقعی و لاینحل روبرو است. با ادامه شرایط فعلی بحران رژیم هر روز عمیق‌تر و گسترده‌تر خواهد شود و با تغییر سیاست کنونی و آغاز سیاست مذاکره و معامله با آمریکا هم نه اقتصاد و نه سیاست رژیم اسلامی جوابی و راه حلی قطعی برای برون رفت از این بن بست پیدا نمیکند.

ادامه دارد

اعتراض کارکنان پالایشگاه نفت آبادان به بی مسکنی کارکنان به مصوبه مجلس اسلامی معترضند

بناباره خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، بیش از ۱۰۰ تن از کارکنان رسمی پالایشگاه نفت آبادان چندین روز است که هر روزه دست به تحصن و تجمع اعتراضی میزنند. این کارکنان علت اعتصاب خود را عدم واگذاری منازل سازمانی به کارکنان شرکت نفت و واگذاری این منازل به افراد ارگانهای دیگر غیر شاغل در شرکت نفت اعلام کرده اند.

بر اساس مصوبه جدید مجلس، امکان واگذاری منازل به سایر ارگانها بصورت مزایده است! در نتیجه کارکنان رسمی که حق اسکان در این منازل را دارند اما نمیتوانند در رقابت شرکت کنند، به این مصوبه معترضند. این کارکنان با اشاره به تبعیض شرکت نفت با آنها، اعلام کرده اند که در سایر مراکز نفتی در شهرهایی چون ماهشهر و اراک، منازل سازمانی بصورت اقساط طولانی به خود پرسنل واگذار شده است؛ اما آبادان با اینکه بزرگترین شهر نفتی ایران است، فقط تعداد محدودی از منازل فرسوده در ایستگاههای کارگری، آنها در ازای بازنشستگی

زودتر از موعد، با کم کردن یکجا از پاداششان، به آنها واگذار شده است. این کارکنان که از روز ۵ دیماه دست به اعتراض زده اند، اعلام کرده اند که ۲۵ تا ۳۰ سال است در شرکت پالایش نفت کار میکنند؛ اما تاکنون صاحب خانه نشده اند. کارکنان بار دیگر از تاریخ ۹ تا ۱۲ دیماه در مقابل در اصلی پالایشگاه تحصن کردند. اعتراض کارکنان در روز ۱۲ دی ماه، با دخالت حراست و دادن وعده که "در روزهای آینده خبر خوشی در این مورد خواهید داشت" موقتا پایان یافت. اما دیروز هفدهم دیماه، آخرین روزی بود که کارکنان قرار بود "خبر خوش" بشنوند! اما کارکنان شاهد هیچ "خبر خودش" تازه ای نبودند. در نشستگی کارکنان معترض با مسئولین شرکت داشتند، به آنها گفته شد که واگذاری مسکن به کارکنان فقط در ایستگاههای کارگری صورت خواهد گرفت و همچنان بصورت بازنشستگی پیش از موعد و با احتساب سی سال سرویس و پنجاه سال سن، خواهد بود. همچنین واگذاری به سایر ارگانها که مورد اعتراض کارکنان بود، مسکوت مانده است.

بنا به آخرین خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده، اعتراضات کارکنان همچنان ادامه دارد، اما مسئولین پالایشگاه درصدد ایجاد تفرقه در میان پرسنل پالایشگاه هستند.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض کارکنان پالایشگاه نفت آبادان حمایت می کند و از آنها می خواهد که یکپارچه و متحد توطئه های تفرقه افکنانه جمهوری اسلامی را خنثی کنند. خواست کارکنان شرکت نفت بوده است. مسکن یک حق بی چون و چرای کارگران و همه مردم است. حزب همه کارگران و مردم آبادان را، بخصوص کارگران پالایشگاه نفت آبادان را فرامیخواند که از اعتراض پرسنل پالایشگاه نفت آبادان قاطعانه حمایت کنند.

آزادی، برابری،
حکومت کارگری
مرکب بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ دی ماه ۱۳۸۶
۸ ژانویه ۲۰۰۸

انتقال مجدد محمود صالحی به بیمارستان توحید

محمود صالحی باید فردا چهارشنبه ۱۹ دیماه جهت آزمایش "آنژیوگرافی" راس ساعت ۸ صبح دوباره در بیمارستان توحید حضور یابد.

کمیته دفاع از محمود صالحی
۱۸ دی ماه ۱۳۸۶
kdms50@yahoo.com
kdmahmodsalehi.blogfa.com

"اکو" انتقال دادند. بعد از آزمایشات فوق که توسط "دکتر خالد رحمانی" متخصص قلب و عروق به عمل آمد، در ساعت ۱ بعد از ظهر، محمود صالحی را دوباره به زندان برگرداندند. بنا به درخواست پزشک معالج،



روز سه شنبه ۱۸ دی ماه ۸۶، ساعت ۱۱ و بیست دقیقه قبل از ظهر، محمود صالحی را از زندان مرکزی شهر سنندج به کلینیک تخصصی بیمارستان توحید این شهر، جهت انجام تست ورزشی و

بیانیه حزب کمونیست کارگری . . .

از صفحه ۱

بالا دارد. راست گرچه حربه جنگ و رژیم چنچ را در قبال بحران جمهوری اسلامی همچنان در آستین دارد ولی فعلا به تلاش آمریکا برای استحاله و تعدیل رژیم چشم دوخته است. در این اوضاع، نمایش کذابی انتخابات از سوی نیروهای راست جامعه (از پوزسیون تا اپوزیسیون) فرصتی تلقی میشود تا سیاست های خود را به پیش ببرند. چنین است که حول این انتخابات دعوی جناح های رژیم برای قدرت گیری و طرف حساب شدن با غرب شدت می یابد. صف ورشکستگان دوم خردادی خارج از حکومت با شعار "انتخابات آزاد" و "نظارت بین المللی" و نظیر اینها فعال میشوند. شبیه صفتندی که حول خطر جنگ و با شعارهای نظیر "جبهه متحد ضد جنگ" و "صلح و دموکراسی" در دفاع از وضع موجود و علیه جنبش سرنگونی و صف سوسیالیسم شکل گرفته بود، دوباره حول "انتخابات و صلح و دموکراسی" فعال میشود. تفاوت اینبار این است که دفاع از وضع موجود به بهانه "انتخابات عادلانه" و یا فرستادن مردم بدنبال نخود سیاه اصلاح حکومت حتی دشوارتر و آبرویخته تر از ترساندن آنها از خطر جنگ و بعد توصیه تمکین به وضع موجود تحت لوای "دفاع از مدنیت" و "دفاع از آب و خاک" و غیره است. لذا صفوف راست و صف حفظ وضع موجود در هم ریخته تر و ضعیف تر از مقطع بالا گرفتن تهدید جنگ است. این، موقعیت را برای تعرض مردم و چپ و سرنگونی طلبی و عقب راندن جمهوری اسلامی مساعدتر میکند. در چنین شرایطی، دخالت فعال مردم در خراب کردن مضحکه انتخابات بر سر رژیم و بهم زدن توازن قوا به نفع خود اهمیت بیشتری می یابد.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم محروم و زحمتکش، همه زنان و جوانان را فرامیخواند تا از هر فرصتی استفاده کنند و فعالانه برای طرح خواست های خود و بازخواست جمهوری اسلامی و مقاماتش به میدان بیایند. نباید بی تفاوت بود، باید فعالانه برای تغییر توازن قوا به زیان کل رژیم و به نفع مردم تلاش کرد. تا همینجا شاهد بوده ایم که دانشجویان در مواردی نظیر سخنرانی های اخیر کربوبی در شیراز و خاتمی در تبریز، خواست آزادی دانشجویان در بند و همه زندانیان سیاسی و شعار آزادی و برابری را بالا بردند. قبلا در جریان انتخابات رئیس جمهوری اسلامی شاهد بودیم که چگونه کارگران رفسنجانی را سکه یک پول کردند، مردم پوسترها را پاره کردند و هرجا توانستند بساط شان را بهم ریختند. اینها الگوهای از تعرض مردم در جریان مضحکه انتخابات رژیم بوده است. اما از این ها میتوان و باید جلوتر رفت. هرجا که جمعیتی گرد آمده است باید فوراً پرچم خواست ها و شعارهای مردم از "معیشت، منزلت حق مسلم ماست" تا "آزادی، برابری، هویت انسانی" بالا برود. هر اجتماعی با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به لرزه درآید و تبدیل به عرصه ای برای مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسی شود. باید چنان کرد تا جهان بروشنی ببیند که مردم ایران حکم به رفتن جمهوری اسلامی داده اند. باید مضحکه انتخابات را به فرصتی برای پیشروی بیش از پیش صف آزادیخواهی و برابری طلبی و بالاتر بردن پرچم جمهوری سوسیالیستی تبدیل کرد.

مرکب بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ دی ۱۳۸۶، ۶ ژانویه ۲۰۰۸

آزادی، برابری،
هویت انسانی!

فعالین کارگری،
باید فوراً و بدون قید و شرط
آزاد شوند!

اعدام راحله: آپارتاید جنسی باز هم قربانی گرفت رژیم آپارتاید جنسی حاکم بر ایران باید در جهان محکوم و منزوی شود!

ماشین جنایت رژیم اسلامی در اولین روزهای سال ۲۰۰۸ دست به جنایت دیگری زد. راحله زمانی زن جوان ۲۷ ساله، مادر دو کودک خردسال، به جرم قتل همسرش به چوبه دار سپرده شد.

راحله زمانی و همسرش هردو قربانی قوانین و مناسبات ظالمانه حاکم بر ایران هستند. راحله نمونه بارزی از بی حقوقی زن در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. زندگی کوتاه او یک رنجنامه است. فشار سنن مرد سالارانه و مذهبی و قوانین ضد زن نظام حاکم بر ایران او

را بالای دار کشید. او سالها از جانب همسرش مورد تجاوز قرار گرفت. حقوق انسانی راحله تحت حاکمیت ضد زن رژیم اسلامی، سالها زیر پا گذاشته شد. سالها احساس و آمال و آرزوهای راحله سرکوب شد. راحله قربانی یک نظام به تمام معنی ضد زن است. نظامی که در آن زن بودن جرم است. نظامی که حاکمان اسلامی اش، تجاوز به زن را آزاد اعلام کرده اند. آیت الله های حکومت اسلامی قانون وضع نموده اند تا زن را به برده تمام عیار و به یک عامل خدمات جنسی به مرد تبدیل کنند و عدم تمکین زن را جرم

اعلام کرده اند و علاوه بر انواع مجازات دولتی، "بخش خصوصی" را هم برای مجازات زنی که تمکین نمیکند به خدمت گرفته اند. راحله قربانی قوانین ارتجاعی و عقب مانده اسلامی شد. سرگذشت او عصیان زن در بند سنن و قوانین ارتجاعی ضد زن است.

حاکمان اسلامی اجازه ندادند جامعه صدای فریاد اعتراض راحله را بشنود. صدایش را خاموش کردند. اما راحله به صفتی متعلق است که حقوق انسانی خود را طلب می کند. نام راحله در لیست قربانیان توحش اسلامی ثبت شد. قتل راحله برگ دیگری است بر پرونده سراسر جنایت آدمکشان اسلامی. نام او در لیست جنبشی حک شد که پرچم برابری زن و مرد را به اهتزاز درآورده است و به اسلام و

رژیم اسلامی اعلان جنگ داده است.

"علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن" با تمام قوا صدای راحله ها را بگوش جهانیان خواهد رساند و ریا کاری دول غربی را افشا خواهد کرد که چگونه در برابر جنایات روزانه حکومت اسلامی، سکوت میکنند و همان قوانین نیم بند حقوق بشر را در بازار سیاست معامله می کنند و بجای اعتراض به آدمکشان اسلامی، پذیرای آنها میشوند و زیر پایشان فرش قرمز پهن می کنند. ما قاطعانه در مقابل آنها می ایستیم و افکار عمومی را در دفاع از مردم ایران بسیج میکنیم. کاری میکنیم که مردم جهان در ابعاد هرچه وسیعتر، برای برچیدن آپارتاید جنسی حاکم بر ایران، به یاری جنبش رو برشد و

آزادیخواهان مردم ایران برای لغو آپارتاید جنسی و لغو همه قوانین و مقررات ضد زن، بمیدان بیابند. همانطور که رژیم آپارتاید نژادی کارش تمام شد، رژیم آپارتاید جنسی نیز باید به گور سپرده شود. این کار مردم ایران است. اما حمایت مردم آزادیخواه و انساندوست جهان عامل مهمی در تقویت مبارزه آزادیخواهان مردم ایران است. ما با تمام قوا برای شکل دادن به یک جنبش همبستگی جهانی با زنان و مردم آزادیخواه در ایران تلاش میکنیم.

علیه تبعیض،
سازمان دفاع از حقوق زن
۴ ژانویه ۲۰۰۸، ۱۴ دیماه ۱۳۸۶

Tel: 0046 70 7777 313

nhejab@yahoo.com
http://www.equal-rights-now.com

جمهوری اسلامی میلیونها تن از پناهندگان افغان را به زندان تهدید کرد

اسلامی کار و "خانه کارگر" برای "کاهش بیکاری" خواهان اخراج کارگران افغانی شده اند. احمدی نژاد رسماً به مقامات کمیساریای پناهندگی گفته است: "مهمان آمد



آقدر نشست که صاحب خانه شد." در همین کنفرانس مطبوعاتی جناب قائمی میگوید که "۶۶ شغل از سوی وزارت کار مشخص و معرفی شده که این افراد صرفاً میتوانند در این مشاغل فعالیت کنند." جاهائی در ایران وجود دارد که این پناهندگان رسماً و قانوناً از سکنی گزیدن در آنجا منع

دست داده اند. جمهوری اسلامی هدف این عمل خود را کاستن هزینه سوسید اعلام کرده است. سید تقی قائمی میگوید که نگهداری از این پناهندگان روزانه برای جمهوری اسلامی ۵ میلیون دلار هزینه دارد. مقامات کمیساریای پناهندگی در اوت سال ۲۰۰۷ اعلام کردند که در چند ماه اول آن سال، ۱۲ میلیون دلار بابت نگهداری از پناهندگان و مهاجرین افغانی به جمهوری اسلامی پرداخت کرده اند. اما هیچکدام از اینها به این واقعیت اشاره نمیکند که این بخش از جامعه مورد استثمار وحشیانه سرمایه داران قرار گرفته اند و سالانه صدها میلیون دلار سود به جیب سرمایه داران ریخته اند.

مدیر کل امور اتباع و مهاجران وزارت کشور جمهوری اسلامی، سید تقی قائمی، روز ۱۱ دیماه در یک نشست مطبوعاتی اعلام کرد که "تاکنون افراد فاقد مجوز را به طور مسالمت آمیز و به وسیله اتوبوس به کشورشان باز می گردانیم اما از این پس با توجه به اختیارات قانونی کسب شده، قصد داریم مهاجران غیر مجاز را حداکثر تا پنج سال در اردوگاههایی که برایشان در نظر گرفته شده، نگهداری کنیم." وی در باره این "اردوگاهها" میگوید: "این اردوگاهها شرایط زندان را خواهند داشت."

طرح زندانی کردن پناهندگان افغانی در ادامه سالها اذیت و آزار و ضرب و شتم این بخش محروم جامعه است. جمهوری اسلامی "طرح ضربتی اخراج افغانی" ها را از اوایل سال ۸۶ آغاز کرد و تاکنون صدها هزار تن از این پناهندگان را اخراج کرده است. با شروع به عملی شدن این طرح، تاکنون صدها پناهنده مورد ضرب و شتم و بی حرمتی نیروهای امنیتی قرار گرفته و چندین تن نیز جان خود را از

زندانی کردن این انسانها شود. حزب به نوبه خود در برابر سیاست ضدانسانی جمهوری اسلامی خواهد ایستاد و از هیچگونه امکانی برای افشا و رسوا کردن آن کوتاهی نخواهد کرد.

گرددند. کودکان پناهندگان افغان، حتی اگر در ایران متولد شده و حتی اگر یکی از والدین آنها ایرانی الاصل! هم باشد، از امکانات اولیه ای چون مدرسه محروم می شوند. افغانستان امروز با هیچ قیاسی جایی برای زندگی امن نیست که جمهوری اسلامی بخشی از جامعه را که خود به عنوان "خارجی" دسته بندی کرده است، به آنجا راهی کند. سیاست اخراج و زندانی کردن پناهندگان افغانی در ادامه بده و بستانهای اسلامی است که دول اسلامی ایران و افغانستان در مقامات کمیساریای پناهندگی در بازی با زندگی این بخش محروم جامعه آن را دنبال میکنند.

حزب کمونیست کارگری جمهوری اسلامی را بخاطر سیاست های ضدانسانی و بورش به زندگی کارگران و پناهندگان افغانی شدیداً محکوم می کند و از همه کارگران و مردم ایران، از همه سازمانهای کارگری و نهادها و سازمانهای مدافع حقوق انسان می خواهد که به تعرضات جمهوری اسلامی به

زندگی و حقوق مهاجرین و پناهندگان افغانی ساکن ایران اعتراض کرده و خواهان عقب نشینی این رژیم وحشی از سیاست

نگ بر سیاست های ضد بشری
جمهوری اسلامی در قبال مهاجرین
زنده یاد همبستگی کارگری در
دفاع از حقوق شهروندی همه ساکنین
کشور
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده یاد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ دی ماه ۱۳۸۶
۵ ژانویه ۲۰۰۸

از میان نامه ها و سؤالات

ساره: من سؤالی داشتم آنهم اینکه می خواستم بدانم قرق بین عضو و کادر چیست؟ آیا این تقسیم بندی در میان فعالینی که در حزب کمونیست کارگری متشکل شده اند، برتری و یا بالا و پایین شمردن را بر اساس کادر و عضو ایجاد نمی کند؟

عبدل گلریبان : سارا عزیز ممنون از سؤالی که مطرح کردید. برای پاسخ به این سؤال، من توصیه می کنم که حتما اصول سازمانی حزب و منتخبی از قرارهای تشکیلاتی را حتما مطالعه کنید. هر چند برای پاسخ به سؤال شما، من هم به این سند مراجعه می کنم.

سندی که مبنای توافق عمومی کسانی است که برای تحقق اهداف و سیاستهای حزب، به آن متعهد و پایبند هستند.

در مورد عضو، این سند بیان می کند که عضویت در حزب کمونیست کارگری ایران امری داوطلبانه است. هر کس که خود را کمونیست و در اهداف اجتماعی حزب شریک بداند و آماده باشد برای تحقق این اهداف در چهارچوب حزب کمونیست کارگری ایران به فعالیت متشکل بپردازد، می تواند به عضویت حزب درآید. کناره گیری و خروج از حزب نیز امری داوطلبانه است.

در ادامه همین بند که در صفحه اول اصول سازمانی درج شده، اشاره شده است که:

عضویت در حزب هیچیک از حقوق و آزادیهای فردی و مدنی اعضا را محدود و مشروط نمی کند. به همین ترتیب، عضویت در حزب تحت هیچ شرایطی مایه هیچ نوع برتری و امتیازی نسبت به سایر مردم نیست.

در ادامه همین بند و در صفحه دوم اصول سازمانی آمده است که: کادر به عضویت از حزب اطلاق می شود که چه از طریق انتخابات و چه با انتصاب، مسئولیت سازماندهی و هدایت فعالیت حزب در حیطه معینی را عهده دار می شود. فعالیت بعنوان کادر، مستلزم پذیرش موازین و دیسیپلین متناظر

با مسئولیت حزبی ای است که فرد بر عهده می گیرد. این موازین و دیسیپلین ممکن است تعهدات بیشتر و تبعیت از انضباط محکم تری را، در قیاس با موازین عمومی ناظر بر حقوق و وظایف اعضا بطور کلی، بر عهده افراد بگذارد. موازین ناظر بر فعالیت بعنوان کادر حزب در مقررات ویژه فعالیت هر ارگان و نیز در اسنادی که انتظارات عمومی حزب از کادرها را بیان می کند قید می شود.

بنا به همین تعریف از عضو و کادر، فرق در این است که کادر وظایف، مسئولیت، دیسیپلین و تعهدات بیشتری را بر عهده می گیرد.

بیش از این وارد بند به بند سند اصول سازمانی نمی شوم و چنانکه پیشتر اشاره کردم، مطالعه آنرا به

شما توصیه می کنم. و اما در همین رابطه شاید این سؤال مطرح شود که خوب ممکن است عضوی از حزب فعالیتهایش را در ظرفیت يك کادر به پیش ببرد، آیا این تبعیض نیست؟

پاسخ به این سؤال فرضی این است که هر عضوی که توان خود را در ظرفیت يك کادر حزب انجام می دهد این است که درخواست کادری می کند و فرم پذیرش کادر هم که در همین سند اصول سازمانی آمده است را پر می کند و می تواند بعنوان کادر حزب، در پذیرش مسئولیتهای بیشتر و در فعالیتهای حزب دخیلتر باشد.

امیدوارم با این توضیحات مختصر توانسته باشم پاسخ سؤال شما را داده باشم.

پیام محمود صالحی به مدافعان طبقه کارگر و مردم شریف ایران!



نجیه صالحزاده

داهاند که به شدت خطرناک است. من در کنار فرستادن پیام و نامه های گوناگون، روزانه این کاربردست و آن مقام را تحت فشار میگذارم تا به وظایف خود در برابر يك زندانی سیاسی عمل کنند. آگاهی من بر روحیه عالی همسر به هیچوجه از تشویش عمیق من نمی کاهد. محمود باید معالجه گردد. او باید سالم بماند و به میان ما برگردد. نه فقط من و فرزندانم، بلکه مردم آزاده و تحت ستم به محمود احتیاج دارند. همه ما باید بر فشار خود بیافزائیم تا قوه قضائیه و مسئولین در برابر حق محمود برای معالجه و آزادی سر تسلیم فرود آورند.

با ادای احترام نسبت به همه انسانهای آزاده
نجیه صالحزاده
۱۴/۱۰/۱۳۸۶

در رابطه با پیام اخیر همسر م، محمود صالحی

میشناسند میدانید که او، نظیر همه همقدمان و همفکرانش، مالمال از عشق به زندگی است و يك زندگی آزاد، شاد، و بری از استعمار، نابرابری و تبعیض را برای همگان میخواهد. او در این راه و هم قدم با همه مخالفین استعمار و ستمگری در مقابل کسانی قرار گرفته است که هر گونه حق طلبی را با شکنجه و زندان و اعدام جواب میدهند. این امر در تاریخ این مملکت نهادینه است. مبارزین در مقابله با این توحش يك فرهنگ مقاومت و تحقیر مرگ را در جامعه و در خود تقویت کرده اند. به این معنی محمود، این عاشق پاکباز زندگی، مرگ را تحقیر میکند و از آن هراسی ندارد. کسی که چنین فرهنگ و روحیه والائی دارد، البته درد کلیه و فشار خون و ناراحتی قلب را در مقابل احوالپرسان خود به هیچ میگیرد و میگوید که حال (روحش) "بسیار بسیار خوب است".

پیام همسر م، محمود صالحی، به فعالین کارگری، مردم آزاده ایران و از آنجمله ساکنین قهرمان سندانج که در آن حال خود را "بسیار بسیار خوب" توصیف کرده، پرسشهایی را برانگیخته است. مدتهاست که من حال وخیم جسمی محمود را یادآوری کرده و اعتراض کتان خواهان تحقق حق او برای آزادی و معالجه شده ام.

آیا پیام فوق الذکر هیچ تناقضی با یادآوریهای من دارد؟ جواب بطور قطع منفی است. محمود در این پیام با آن روحیه نیرومندی که دارد، و من بهتر از هر کس دیگر با آن آشنا هستم، احوالپرسان خویش را تمجید کرده و آنها را دلدار می دهد. این فرق دارد با پیامها و نامههایی که او یا من و یا فرزندان ما سرمد مینویسیم و از حقوق حقه او برای آزادی و معالجه دفاع میکنیم. ما در آن پیامها و نامهها از حقوق حقه محمود در برابر يك دولت و طبقه سرمایه دار حامی آن صحبت میکنیم و محمود در این پیام مردمی آزاد، دلسوز و شریف را دلدار می دهد.

عزیزان!
وضع جسمی محمود همچنان وخیم است. او را در پرومشی قرار

پدران امیدوار و مادران داغدیده تنها میتوانم بگویم سپا سگدارم از اینکه در این مدت همانند فرزند و برادر خود در آغوشم گرفتید. محبت و دلسوزی شما من را روی اعتقاداتم راسختر و جسورتر کرده است!

عزیزان پیروزی از آن ما است، مبارزه برای رهائی طبقه کارگر، مبارزه برای محو نا برابریها است بنا بر این بیاید دست در دست هم نظام پوسیده سرمایه داری را به زباله دان تاریخ بسپاریم، اگر در این راه جان دهیم باز هم پیروزی با ما است!

عزیزان، من میدانم که در مدت ده ماه زندانی شدنم به دست کسانی که در خدمت نظام سرمایه اند همگی شما با نگرانی پی گیر وضعیت سلامتی ام بوده اید! با سپاس فراوان و قدر دانی از تک تک شما عزیزان باید بگویم حالم بسیار بسیار خوب است.

عزیزان، اطمینان داشته باشید هر قطره اشکی که از چشمان يك زن، يك کودک و یا مردی برای سلامتی من سرازیر می شود تبدیل به آتشی خواهد کرد و با آن نظام پوسیده سرمایه داری را خواهیم سوزاند.

مردم همیشه قهرمان سندانج!
دختران زیبا، پسران خونگرم،

زندان مرکزی سندانج بند ۲
محمود صالحی



اعتصاب کارگران کاغذسازی پارس و نیشکر هفت تپه برای دستمزدهای معوقه و بیمه درمانی فعالین کارگری هفت تپه همچنان تحت فشار اداره اطلاعات رژیم هستند کارگران شرکت نیشکر هفت تپه به مدیریت التیماتوم اعتصاب دادند

اطلاعات جمهوری اسلامی را محکوم میکند و از کارگران همه مراکز کارگری، از دانشجویان، زنان و کلیه مردم آرایخواه میخواند که از مبارزات کارگران هفت تپه حمایت کنند و فشار به فعالین

کارگری را محکوم کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ دی ماه ۱۳۸۶
۳ ژانویه ۲۰۰۸

بنابه خبری که "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران" در روز ۱۳ دی ماه منتشر کرده اند، طی چند روز گذشته بیش از هزار تن از کارگران شرکت کاغذسازی پارس، یکی از شرکتهای زیر مجموعه نیشکر هفت تپه، در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و مزایای معوقه خود دست به اعتصاب زده و خواهان رسیدگی به مطالباتشان شدند. این گزارش می افزاید که بعد از ۳ روز اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران، مدیریت شرکت وادار به عقب نشینی می گردد و به خواست پرداخت دستمزدهای کارگران تن می دهد. اداره اطلاعات ۲۵ تن از کارگران شرکت کننده در

این اعتصاب و فعالین کارگری را احضار کرده و تحت فشار و مورد تهدید قرار می دهد. اما مجبور می شود بعد از چند ساعت بازداشت، این کارگران را آزاد کند.

از سوی دیگر، همزمان با اعتصاب کارگران شرکت کاغذسازی پارس، کارگران نی بر طرح نیشکر هفت تپه از روز ۱۰ دی ماه در اعتراض به محروم بودن از خدمات دفترچه تأمین اجتماعی دست به اعتصاب زدند. کارگران نی بر همچنین خواستار عملی شدن وعده های مدیریت در خصوص پرداخت به موقع دستمزد کارگران شده و تا روز ۱۵ دی ماه به وی فرصت دادند تا

مطالبات معوقه کارگران را پرداخت نماید، در غیر اینصورت باز دیگر دست به اعتصاب خواهند زد.

کارگران نیشکر هفت تپه و شرکتهای زیر مجموعه آن عملاً ثابت کرده اند که تنها با صفی متحد و یکپارچه میتوان اجحافات مدیران ریز و درشت رژیم را به عقب راند. تنها با یک چنین صفی نیز میتوان فشار و اذیت و آزار بر فعالین کارگری را کم کرد و حق خود را گرفت.

حزب کمونیست کارگری کارگران را به اعتراضات یکپارچه و متحد برای تحقق خواسته های خود و بر علیه رژیم فرا میخواند، حزب احضار کارگران اعتصابی به اداره

در اطلاعیه قبل به اطلاع رساندیم که کارگران نی بر هفت تپه با دست زدن به اعتصاب در روز ۱۰ دیماه، التیماتوم دادند که چنانچه وعده های مدیریت درمورد پرداخت بموقع دستمزدها تا روز ۱۵ دیماه عملی نشود، مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد. بدنبال این التیماتوم، مدیریت پاداش معوقه کارگران را پرداخت کرد. در فصل تولید مدیریت بیش از هرزمان دیگر از

اعتصاب و تعطیل کار توسط کارگران بیم دارد و از این رو ناگزیر شد که به خواست کارگران تن دهد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ دی ماه ۱۳۸۶
۶ ژانویه ۲۰۰۸

کارگران نیشکر هفت تپه موفق به دریافت پاداش خود شدند

اخباری از زندان اوین فشار بر زندانیان سیاسی در اوین افزایش یافته است



بنا به گزارشها از زندان اوین، فشار بر زندانیان سیاسی در طی ماه های اخیر افزایش یافته است. زندانیان سیاسی در زندان اوین که عمدتاً در بند ۳۵۰ (بند کارگری) نگهداری می شوند، طی تماس هایی از زندان از افزایش فشار و آزار و اذیت مسئولان زندان اوین بر خود خبر داده اند. طبق گزارش فعالین حقوق بشر، در آخرین مورد، ابوالفضل جهاندار، فعال دانشجویی که هم اکنون ۱۸ ماه است در زندان

بنا به همین گزارش دو هفته قبل زندانبانان اوین به اطافه های زندانیان سیاسی در بند ۳۵۰ حمله بردند و پس از تفتیش وسایل زندانیان سیاسی، کلیه دست نوشته ها و وسایل آنها را ضبط کردند. به گفته ی زندانیان سیاسی، در این حمله ۴-۵ مامور، حدود ۱ ساعت اقدام به بازرسی هر اتاق می نمودند و در جواب به اعتراض زندانیان پاسخ میدادند، "شنیده شده که یک نفر موبایل به داخل سالن آورده

بسیار نامناسب است و اکثر زندانیان نگهداری شده در این بند معتاد به کراک و تریاک و سایر مواد مخدر هستند، وی اضافه کرد در صورت انتقال جهاندار به این بند، او شرایط دشواری را متحمل خواهد شد. پیش از این نیز تعدادی از زندانیان سیاسی به بهانه های مختلف به سایر بندهای زندان اوین انتقال یافته بودند. این در حالی که در آیین نامه داخلی زندان ها، بر اصل تفکیک جرایم به عنوان یکی از مهمترین اصول اجرایی در زندان، تاکید شده است.

بنا به همین گزارش دو هفته قبل زندانبانان اوین به اطافه های زندانیان سیاسی در بند ۳۵۰ حمله بردند و پس از تفتیش وسایل زندانیان سیاسی، کلیه دست نوشته ها و وسایل آنها را ضبط کردند. به گفته ی زندانیان سیاسی، در این حمله ۴-۵ مامور، حدود ۱ ساعت اقدام به بازرسی هر اتاق می نمودند و در جواب به اعتراض زندانیان پاسخ میدادند، "شنیده شده که یک نفر موبایل به داخل سالن آورده

است". سرانجام نیز هیچ تلفن موبایلی در میان وسایل ضبط شده زندانیان سیاسی بدست نیامد.

همچنین بعد از این حمله ناگهانی، مقررات جدیدی به زندانیان ابلاغ شد. بنا به این مقررات زندانیان می بایست هر روز ساعت ۷ صبح - زمان تعویض شیفت نگهبانان- بیدار شده و خود را به نگهبانان شیفت جدید نشان می دادند! این قانون در ابتدا با اعتراض زندانیان سیاسی مواجه شد، آنها می گفتند که در هیچ دوره ای چنین مقرراتی در زندان حاکم نبوده است. ریاست زندان اوین نیز در برابر اعتراض زندانیان، مقررات جدید را با گفتن اینکه "این عمل برای اطلاع از وضعیت سلامتی زندانیان صورت می گیرد. چون در یکی از زندان ها، سه روز پس از درگذشت یک زندانی، نگهبانان زندان متوجه این امر شدند." تلاش کردند اتخاذ این مقررات را توجیه کنند. و بدین ترتیب این قانون را در بند سیاسی زندان اوین به اجرا در آوردند و طبق آن مسئول هر اتاق در زمان

سرشماری روزانه می بایست سلامت سایر هم اتاقیهای خود را تایید و سایر افراد ساکن در اتاق نیز باید خود را به نگهبانان نشان دهند. بدنبال تشدید فشار بر زندانیان سیاسی بر بند ۳۵۰، هم اکنون زمزمه های اعتراض به گوش می رسد. زندانیان سیاسی که در صورت کوچکترین اعتراض نسبت به شرایط زندان، تهدید به تبعید به زندان رجایی شهر یا قزل حصار می شوند، اعلام کرده اند که در برابر افزایش فشارها ساکت نمی مانند.

با اعتراض گسترده خود به تشدید فشار بر روی زندانیان سیاسی در اوین، رژیم اسلامی را از این تهاجمات عقب برانیم. با یک کمپین اعتراضی فشرده و قدرتمند و متحد برای آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی تلاش کنیم.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۶۸
دی ۱۳ - ۱۳۸۶ - ۳ ژانویه ۲۰۰۸

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!